

ماهانمه محترم «نامه» از من خواست تا در مورد رفتارندوم مطرح شده در ماه های اخیر، نظر خود را طی مقاله ای بیان نمایم. متأسفانه نمی دانم دامنه ی خود ساتموری تا کجا کشیده شده است که از مقاله ای که در زیر خواهد آمد چند جمله گزینشی که از محتوا تهی شده است را به نام من به چاپ رسانده است. برای آگاهی هم میهنان متن مقاله به شرح زیر تقدیم می گردد.

حسین شاه اویسی

سخن درست ولی نابهنگام حقانیت خود را به زیر سنوالمی برد

* فرزندان عزیز وطن! با چشمان باز به آینده
* میهن کهنسال خود ببینید.*

دکتر مصدق

پیش از ورود به بحث، برای هر چه بهتر روشن شدن مسئله، نکاتی را باید یادآور شد: یکم — بیان نظرها و نقد مطرح فراخوان رفتارندوم به معنای تردید در استقلال طلبی، آزادی خواهی و میهن دوستی طراحان اولیه فراخوان (7 نفر) به ویژه آقای دکتر ملکی و آقای مهندس افشاری که تا حد زیادی از گذشته آنها و ایده آل هایشان مطلع هستم، نیست و آنان را اتهامهای شریف و میهن دوستی می شناسم ولی از آنجا که امکان بیان آرا و برخورد اندیشه ها از بین پایه ترین و ابتدایی ترین اصول مردم سالاری است بر آن شدم بدینوسیله نقدی در خور بضاعت بر مطرح رفتارندوم تقدیم دارم.

دوم — تلقی صاحب نظرانی که در درون میهن به سنجش پدیده ها می پردازند نمی تواند و نباید حتماً مشابه آری باشد که صاحبانش در برون مرز، زندگی می کنند. چرا که شرایط ما و مشکلات روز ما را کمتر لمس می کنند. از این رو منطقی است که دیدگاه هایمان در پاره ای جهات گوناگون، گاه متضاد و شاید متناقض باشد، ولی بهر رو قابل احترام خواهد بود و تحمل دیدگاه ها نیز واجب و طبیعی است و موضع گیری منطقی را نیز طلب می کند.

سوم — اتخاذ مواضع و انتقادهای نباید چنان باشد که حمل بر توہین و تحقیر می مخاطبان گردد و زمینه بروز فضای سیاسی سالم را از بین ببرد.

چهارم — در این نوشتار کوتاه سر آن ندارم، از مفید بودن یا زیانبار بودن محتوای رفتارندوم سخن بگویم ولی پیرامون همه پرسشی (رفتارندوم) سالهاست از سوی نیروهای دگراندیش و تا آنجا که باید دارم، در سال 1361 شانزدهان فروهر از لزوم برگزاری همه پرسشی آن هم تحت شرایطی سخن گفته بود و سپس کسان دیگری و سازمانهای مختلفی هم به فراخور مواضعشان بحث همه پرسشی را مطرح کردند و جدل و اختلاف نظر را برسر زمان برگزاری، هدف همه پرسشی، امکان پذیر بودن آن و رعایت موازین ملی و سیاسی و مسألت آمیز بودن همه پرسشی بود.

پنجم — به باور من: تنها معیاری را که در ارزیابی پدیده های اجتماعی - سیاسی و اقتصادی به عنوان مالک سنجش در شرایط امروز میهن باید برگزید، تنها و تنها سود و صلاح میهن است و هر ایرانی که به میهن و ملت فرهنگ آفرینش عشق می ورزد، حاکمیت ملی بر سرزمین مان، دفاع از منافع ملی مان، مردم سالاری، عدالت اجتماعی، رفع هرگونه تبعیض قومی و جنسیتی و دفاع از تمامیت ارضی میهن مان را از واجب ترین و لاجب ها می داند.

و اما طرح موضوع: در دنیای آزاد و جامعه های مردم سالاری که مدنیت نهادینه شده است از رفتارندوم به عنوان مبنای درستی برای طلب اظهار نظر مردم یاد می شود، ولی آنچه بسیار شایان اهمیت است، مختصات زمانی و هنگام اعلام آن است که منافع ملی و تمامیت ارضی مان را با خطر مواجه نکند. از این منظر همه پرس می نیاز به بستر سازی و پیش شرط هایی دارد تا بتواند نتیجه ای درست و واقعی و دقیق را به نور از فشارهای داخلی و اثرگذاری های بیگانه پسند خارجی و جنجال های، دست دهد.

برای درک درستی این همزمانی بهتر است شرایط امروز میهن و جریانات پیرامونش را به مرور بشناسیم.

سیاست های سلطه طلبانه و بحرانهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و رویدادهای جهانی که بر منطقه و کشور، تحمیل شده است، بدون توجه به علل آن، اردو کشی های اطراف میهن و به زعم عده ای ناگناه که بیگانهگان را "ناجی" می پندارند و به گمانشان از فردای اشغال میهن به همه آرزوهایشان میرسند، باید گفت: بدانند هرگز نمودگرسی در کوله بار هیچ بیگانه ای یافت نشده است. اینگونه تفکر مسموم و این مسائل، هر انسان میهن دوستی را به اندیشیدن وامیدارد که هیچکس مرا نخواهد که در آن سود خود نجوید. و درست از این جایگاه است که تجربه های خود را با همگان در میان باید گذارد. باید اجازه برخورد آزاد داده شود تا با بهره گیری از روش های خردنگرانه جمعی، بدور از تنگ نظری های گروهی و فردی میهن بر باد ده، بدور از هیاهو و تهمت و بدور از هر گونه خشونت در راستای دفاع از هویت ملی، حاکمیت ملت و منافع ملی خود، نخست در رویارویی با بیگانهگان و دفع آنان از طریق همبستگی کامل تمام نیروهای اصیل به نجات میهن از فروپاشی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گام بردارند. از این رو برخورد ضروری می داند، امروز با وجود تهدیدهای فزاینده خارجی و داخلی از جمله از توطئه های ارضی تا فرهنگی و تهدید خارجی، تجاوز به حریم وطن، انرژی هسته ای و از سوی دیگر نا هماهنگی های مراکز تصمیم گیری، حصر آزادی های و حقوق ملت مصرح در قانون اساسی، کاهش تعلق خاطر ملی (بعنوان مثال کاربرد واژه خلیج بجا خلیج فارس حتی از سوی پاره ای از کابینهستان و بعضی از رسانه ها) با وجود تمام این ناملامت و کاستی ها اعم از خارجی و داخلی است که احساس خطر را در رگهای هر ایرانی می دواند که وقت آنست با چشمان باز و اندیشه ای روشن برای زیستی آزاد و سربلند اولویت های خود را برگزید و به سرزمین مان بیندیشیم که دوران بسیار حساسی را سپری می کند که احساس مسئولیت ما در این شرایط نقش تعیین کننده ای خواهد داشت.

اکنون در این گیر و دار و هنگامه ای ای چنین، آیا طرح رفتارندوم با همه باوری که بدرستی همه پرس می وجود دارد، زمان مناسبی است؟ به باور من در این شکل و زمان، جز اینکه مشکلی بر مشکلاتمان بیفزاید و باعث پراکندگی های بیشتر مان شود راه بجایی نخواهد برد مگر اینکه تهدید خارجی برطرف شده و جامعه به آرامش و امنیت رسیده باشد. بخاطر دارم در سال 1968 میلادی که دولت ژنرال دوگل بعلت نابسامانی های فراوان داخلی با جنبش دانشجویی

سراسری روبرو شده بود و مدتها تظاهرات پرحاشیه دانشگاهها فضای فرانسه را فرا گرفته بود ،
آنکه زمانی پس از فراهم آوردن آرامش در کشور ، از آنجا که دوگلاز از روسای جمهوری بود که
به افکار صومسی احترام و باورمند بود ، پس از پایان درگیری ها و بازگشت آرامش به کشور
درفضای آرام بنحور از بگیر و به بند ، در حالی که هنوز یکسال و اندی از دوران ریاست
جمهوریش مانده بود ، اقدام به برگزاری همه پرسی کرد ، آن هم با طرح این پرسش که آیا با
ریاست جمهوری من موافق هستید یا خیر ؟ چون پاسخ ملت نه بود ، در پاسخ به این خواست
ملت ، ژنرال دوگلاز کناره گیری کرد و رفت و جمهوری پنجم پایه ریزی شد . چرا که شرایط
برگزاری همه پرسی فراهم شده بود . توطئه خارجی ، تهدید بیگانه و لشکر کشی در مرزهای
میهنش وجود نداشت . از تاریخ بیاموزیم پیش از آنکه خود درس تاریخ شویم .

باز گردیم به طرح فرآخون ، همانگونه که مطلع هستید این طرح تاکنون با مخالفتها و موافقتهای
گونگون روبرو شده است . عده ای که جریان راست فراطی کاتولیک تر از پاپ را در خارج
نماینده می کنند ، این طرح را توطئه جمهوری اسلامی می دانند ، عده ای که بخشی از جریان
چپ را نمایندگی می کنند ، با این طرح مخالفند چون بر این باورند این امر جلوی "انقلابشن"
را می گیرد . عده ای هم که از زبان قومهای ایرانی سخن می گویند با طرح فراندوم مخالفند
چون از دل نگرانی های آنها سخن نرانده است . عده ای دیگر با آن مخالف هستند که چرا نوع
نظام آینده را اعلام نکرده است و عده ای با این ترکیب نه مخالفان طرح و نه موافقان
آن یکدست نیستند .

بیاندهشیم ، نتیجه یک فراندوم که با استفاده از شرایط سیاسی ولی با عدم لگامی لازم اجتماعی و
فراهم نبودن زمینه های ضروری صورت گیرد تا چه اندازه برای آینده ایران می تواند امیدوار
کننده باشد . حاصل سخن ، بنا بر دلایل بالا طرح فرآخون ملی برگزاری فراندوم پیشنهاد شده ی
دوستان گرامی ، پرسش انگیز ، پرابهام و به باور من ناشننی است و بیاتیه دوم که چند روز پس
از نشر فرآخون از سوی طراحان در درون کشور صادر شد نیز جز نامی از فرآخون بقی
نگذارده است .

بهر روی به باور من ، در شرایط امروز اندیشیدن به همبستگی نیروهای استقلال طلب
و آزادیخواه میهن دوست با همه دشواریها ، بسیار واقعی تر و چشم انداز روشن تری
را نمایان می سازد این در حالی است که برای اجرای فراندوم در تمام کشورهای پیشرفته و
آزاد جهان پیش شرط هایی ضروری است که مهمترین آنها در محاصره نبودن کشور از
سوی بیگانهگان ، عدم وجود تهدید خارجی و امنیت و آرامش داخلی ، وجود رسانه ها
و مطبوعات آزاد ، آزادی دگر اندیشان و بیان عقاید و از بن پایه ترین نیازها در
برگزاری یک همه پرسی راستین است .

بهر روی ، من ممکن است برخفا باشم و شما شاید بر صواب اما با بذل کوشش ممکن است هر
دو ما به حقیقت نزدیکتر شویم .

پاینده ایران

تهران - حسین شاه اویسی